

بازپژوهی تحلیلی دلالت «ایاک» در روایات و تأثیر آن در استنباط احکام عبادات

حسن اردمه^۱ | محمد اردمه^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: hasanardameh727@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: ardameh78@gmail.com

چکیده

واژه «ایاک» از تعبیر کلیدی در متون روایی است که نقش تعیین کننده‌ای در بیان هشدارها و احکام هنجاری دارد. با وجود کاربرد گسترده‌ی آن در منابع روایی، پژوهشی مستقل درباره‌ی دلالت این تعبیر صورت نگرفته است و مباحث موجود پراکنده و فاقد تحلیل جامع در میان مباحث فقهی مطرح شده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع لغوی، نحوی و برای به بررسی جامع دلالت‌های «ایاک» پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که این واژه در اصل بر معانی «هشدار» و «دوری جستن» دلالت دارد و غالباً در حوزه محرمات به کار رفته است. کاربرد این واژه در غیر محرمات، ناشی از ماهیت اخلاقی روایات است و از دلالت اصلی آن بر حرمت نمی‌کاهد. تحلیل نحوی و تطبیقی بیانگر آن است که در موارد فاقد قرینه، «ایاک» ظهور در نهی تکلیفی و حرمت دارد. استناد به آرای نحویان و مبنای اصولیان، مؤید این معناست. تحلیل روایات نیز نشان می‌دهد این تعبیر در غالب موارد، برای بیان حرمت به کار رفته است. بنابراین در حوزه‌ی فقه عبادی، بر حرمت و بطلان عمل دلالت دارد. در فقه معاملات، نهی ناظر به مقدمات یا شرایط معامله باشد، ملازمه‌ای با بطلان ندارد؛ اما در صورتی که متعلّق آن نتیجه یا اثر شرعی معامله باشد، دلالت بر بطلان دارد. لذا، «ایاک» در متون روایی، ظهور غالب در حرمت دارد و تبیین دقیق دلالت آن در فهم احکام شرعی، نقشی اساسی ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: ایاک، حرمت، روایات، تحذیر، فقه امامیه.

یکی از مباحث بنیادین در علم اصول فقه، بررسی و تحلیل دلالت‌های الفاظی است که بر نهی و تحریم دلالت دارند. چراکه درک دقیق این دلالت‌ها تأثیر مستقیمی بر فرآیند استنباط احکام شرعی برجای می‌گذارد. در این میان، تعبیر «إِيَّاكَ» که در قرآن کریم^۱ متون روایی به کار رفته، از حیث دلالت بر حرمت همواره مورد بحث و تأمل اصولیان و فقها بوده است. ساختار «إِيَّاكَ وَ...» عموماً در سیاق هشدار یا بازداشتن از فعلی خاص ظهور دارد، لیکن دامنه دلالت آن بر حکم تکلیفی حرمت، به صورت قطعی مورد اجماع نیست. واکاوی این مسئله علاوه بر آنکه در بررسی مبانی اصولی و فهم صحیح متون دینی حائز اهمیت است، در تعیین دقیق حدود تکالیف شرعی و مرزهای الزام‌آوری آنها نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند.

پرسش محوری این پژوهش آن است که آیا تعبیر «إِيَّاكَ» در استعمالات شرعی، ظهور در حرمت دارد یا صرفاً بیانی تحذیری است که بر شدت توصیه و تأکید دلالت می‌کند؟ به عبارت دیگر، آیا این ترکیب در گفتمان شرعی، معادل صیغه‌های صریح نهی (مانند «لَا تَفْعَلْ») و حاکی از حکم تحریمی است، یا تنها ابزاری بلاغی برای هشدار است که حتی می‌تواند بر کراهت یا ارشاد نیز اطلاق شود؟ پاسخ به این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که در موارد متعددی از استنباط فقهی، استناد به این تعبیر، فصل الخطاب تعیین حکم است و تبیین دامنه دلالت آن می‌تواند تفاوتی اساسی بین حکم تحریمی (حرمت) و توصیه‌ای ارشادی بوجود آورد.

در این پژوهش، برای دستیابی به نتیجه‌ای مستدل در باب دلالت یا عدم دلالت «إِيَّاكَ» بر حرمت، رویکردی چندمرحله‌ای در پیش گرفته می‌شود. نخست، واکاوی لغوی این ترکیب انجام می‌گیرد تا دقیقاً دامنه معنایی آن در بستر زبان عربی روشن شود. این گام با توجه به نقش محوری فهم معنا و کاربرد الفاظ در متون کهن در فرآیند استنباط، ضرورتی بنیادین دارد. در مرحله بعد، آراء و دیدگاه‌های فقها درباره این تعبیر مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا سیر تاریخی برداشت‌ها از آن و گرایش غالب به حمل بر حرمت یا غیر آن آشکار شود. در ادامه، استدلال‌های هر دیدگاه به صورت نقادانه بررسی می‌شود تا مبانی اختلاف و قوت هر استنباط مشخص گردد. سرانجام، با تحقیق جامع در روایات منسوب به اهل بیت (علیهم‌السلام)، موارد استعمال این تعبیر در سنت روایی استخراج و تحلیل می‌شود تا پیوند آن با مفاهیم حرمت، کراهت یا ارشاد به دقت تبیین گردد. این رویکرد نظام‌مند می‌تواند تصویری روشن از جایگاه اصولی و فقهی «إِيَّاكَ» ارائه دهد و به فقیه در مواجهه با نصوص شرعی، ابزاری دقیق‌تر برای سنجش درجه الزام‌آوری این تعبیر اعطا کند. بر این

۱. واژه «إِيَّاكَ» که در قرآن کریم بکار رفته است نسبت به محل بحث فقط ارتباط لفظی دارد. لذا از محل بحث خارج می‌باشد چرا که «إِيَّاكَ» در آیات قرآن به عنوان اسم فعل که محل بحث این پژوهش می‌باشد استعمال نشده است بلکه در حقیقت ترکیبی از «إِيَّا» و «كَ» خطاب است که به صورت منصوب در نقش مفعول یا عطف به مفعول آمده است. مثلاً در سوره مبارکه حمد آمده است: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (۵)؛ «پروردگارا، تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌خواهیم». یا در سوره مبارکه اسراء آمده است که: «نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمُ» (۳۱)؛ «ما آنان و شما را روزی می‌دهیم».

اساس، پژوهش حاضر گامی ضروری در مسیر تبیین یکی از تعابیر کلیدی مؤثر در فرآیند اجتهاد و استنباط حکم شرعی به شمار می‌آید.

پیشینه پژوهش: هر چند مطالعات ارزشمندی نسبت به برخی گزاره‌های روایی و برخی واژگان صورت گرفته است، منتهی اکثر مطالعات پیشین نشان می‌دهد که الفاظ پرکاربرد در روایات، اغلب به صورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، و بیشتر پژوهش‌ها به تحلیل کلی واژگان فقهی پرداخته‌اند. با این حال، برخی تحقیقات انجام شده است مثلاً کتابی با عنوان «استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی (۱ و ۲)» توسط آقای محمد عالم زاده نوری نوشته شده است. منتهی این کتاب اولاً به هیچ وجه نسبت به الفاظ و واژگانی نظیر «ایاک» بحثی نداشته است و ثانیاً محتوای اصلی این کتاب در حقیقت فهم روشمند گزاره‌های اخلاقی در متون دینی می‌باشد بدون اینکه نسبت به گزاره‌های خاص (جزئی) یا حدیث و آیه‌ای خاص به بحث پردازد بلکه امور کلی که در تفسیر گزاره‌های اخلاقی مصادیق پرکاربرد دارد را مورد بررسی قرار داده است.

برخی تحقیقات مرتبط دیگری هم انجام شده است که از جهتی به بررسی دلالت تعابیر مشابه با «ایاک» پرداخته‌اند، منتهی تمرکز آن‌ها بر این تعبیر خاص نبوده و روش‌شناسی آن‌ها نیز مورد نقد نگارنده است. برای نمونه، در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی مفهوم نفی بأس در فقه امامیه» (زرگوش نسب و همکاران، ۱۴۰۲)، مجله فصلنامه فقه و اصول، دانشگاه فردوسی مشهد، تلاش شده است معنای دقیق تعبیر «لا بأس» در منابع فقهی روشن گردد. همچنین در مقاله‌ای دیگر با عنوان «نقد و بررسی دیدگاه‌ها پیرامون مفاد "لاینبغی" در روایات» (زرگوش نسب، ۱۴۰۳)، مجله دو فصلنامه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، دلالت این تعبیر نهی‌آلود مورد تحلیل قرار گرفته است. در مقاله با عنوان «ارزیابی دلالت واژه لعن بر حرمت»، (جعفری، ۱۳۹۸) در مجله پژوهش‌های فقهی و اجتهادی به بررسی این نکته پرداخته که آیا لعن در روایات الزاماً به معنای تحریم است یا می‌تواند نشانه ناپسندی باشد.

همچنین، دو مقاله از آقای منافی با عنوان‌های «بازشناسی معانی الفاظ پرکاربرد در آیات و روایات (۱)» در مجله فصلنامه فقه، تابستان ۱۳۹۰، و «بازشناسی معانی الفاظ پرکاربرد در آیات و روایات (۲)» مجله فقه، پژوهش‌های علوم و فرهنگ اسلامی، مهر ۱۳۹۰، وجود دارد. نویسنده در این دو مقاله کوشیده است تا برخی تعابیر پرکاربرد در نصوص دینی را مورد تحلیل زبانی و فقهی قرار دهند.

منتهی با وجود اهمیت این پژوهش‌ها، باید توجه داشت که هیچ‌یک از آن‌ها به طور مستقل به بررسی تعبیر «ایاک» نپرداخته‌اند و از این جهت خلأ پژوهشی در این زمینه مشهود است، و از طرفی هم روش‌شناسی برخی از این مقالات، از دیدگاه نگارنده، دچار کاستی‌هایی است؛ از جمله کم‌توجهی به سیاق‌شناسی دقیق روایات، یا عدم بهره‌گیری کافی از منابع لغوی معتبر و تحلیل‌های اصولی. از همین رو، پژوهش حاضر با هدف رفع این خلأ و با رویکردی تحلیلی – تطبیقی،

به بررسی دلالت تعبیر «ایاک» بر حرمت می‌پردازد و می‌کوشد تصویری روشن از جایگاه این تعبیر در فرآیند استنباط احکام ارائه دهد.

۱. مفهوم‌شناسی

جوهری می‌گوید «ایّا» یک اسم مبهم است که با همه ضمایر متصل برای حالت نصب همراه می‌شود، مانند «ایای» (من را)، «ایاک» (تو را) و «ایاه» (او را). حروفی مانند یاء، کاف، هاء و نون برای روشن کردن مقصود به آن اضافه می‌شوند تا تفاوت بین مخاطب و غایب مشخص شود، اما این حروف خود جایگاه اعرابی ندارند، مانند کاف در «ذلک». همچنین، «ایّا» گاهی برای تحذیر (هشدار) به کار می‌رود، مانند «ایّاکَ والأَسَد» (مراقب شیر باش)، که در واقع به جای یک فعل به کار رفته و معنای «باعذر» (دوری کن) را می‌رساند (طریحی، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۴۱. ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۹۰).

۲. تحلیل آراء فقها و نقد آنها

فقها نسبت به دلالت این لفظ بر حرمت نظرات متفاوتی بیان داشته‌اند که به نقل و بررسی آنها پرداخته خواهد شد:

۲-۱ دیدگاه دلالت واژه ایاک بر حرمت

برخی از فقها معتقدند که لفظ (ایاک) دلالت بر حرمت دارد (خوئی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۹۳. امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۰۲. حرعاملی، ۱۴۲۳، ص ۲۹۷) و هر یک به ادله‌ای استدلال نموده‌اند که در ادامه بیان خواهد شد.

برخی از محققان، روایت صحیح حنط را با استفاده از واژه «ایاک» دال بر حرمت احتکار می‌دانند و استدلال خود را این گونه بیان می‌کنند:

حنط می‌گوید: امام صادق (ع) از من پرسید: «شغل تو چیست؟» گفتم: «حنط (فروشنده گندم و جو) هستم. گاهی بازار رونق دارد و گاهی کساد است و من کالا را نگه می‌دارم.» امام فرمود: «مردم درباره تو چه می‌گویند؟» گفتم: «می‌گویند محتکر هستم.» امام پرسید: «آیا جز تو کسی دیگر نیز می‌فروشد؟» گفتم: «آنچه من می‌فروشم، حتی یک هزارم سهم بازار هم نیست.» امام فرمود: «اشکالی ندارد؛ این کار تو اشکالی ندارد.»

مسئله این است که در صدر اسلام، حکیم بن حزام از قریش، هنگامی که گندم به مدینه می‌رسید، همه آن را خریداری می‌کرد. پیامبر (ص) بر او گذر کرد و فرمود: «یا حکیم بن حزام، ایاک أن تحتکر؟» (ای حکیم بن حزام، از احتکار بپرهیز) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۵).

این روایت، نگرش پیامبر (ص) و امام صادق (ع) را نسبت به پدیده احتکار نشان می‌دهد. به ویژه هشدار صریح پیامبر (ص) را درباره این عمل ناپسند بیان می‌کند. عبارت «ایاک أن تحتکر» همراه با تأکید و تحذیر شدید است، به گونه‌ای

که مستقیماً عمل احتکار را تقبیح و نهی می‌کند. استناد امام صادق (ع) به این حدیث، ظاهر عبارت را - حتی اگر به تنهایی دلالت بر حرمت نداشته باشد - تقویت می‌کند و بر دلالت آن بر حرمت می‌افزاید.

این استفاده از حدیث به عنوان دلیلی بر حرمت احتکار، نشان‌دهنده توجه ویژه امام صادق (ع) به مسائل اقتصادی و اجتماعی عصر خویش و تأکید بر رعایت عدالت در بازار است.

امام خمینی سپس برای کامل شدن استدلال خود به اشکالی که ممکن است به ذهن بیاید توجه می‌دهند که اگر کسی بگوید موارد فراوانی وجود دارد که لفظ «ایاک» در غیر حرمت بکار رفته است در پاسخ چنین گفته می‌شود که استفاده از چنین جملاتی در توصیه‌های مستحبی نیز رایج است، اما این امر باعث نمی‌شود که از ظاهر عبارت صرف نظر کنیم. همان‌طور که اوامر و نواهی در موارد مستحب و مکروه نیز به کار می‌روند، حتی در این موارد نیز اگر امر یا نهی‌ای به‌طور خاص از جانب معصومین (ع) بیان شود، برای مکلف حجت است. به‌ویژه که در این روایت، نهی پیامبر (ص) با شدت بیان شده است و ظاهر آن به‌طور عمده دلالت بر حرمت احتکار دارد. در نهایت، هرچند در روش‌های مختلف استنباط ممکن است اختلاف نظر وجود داشته باشد، اما معمولاً ظاهر اوامر و نواهی معصومین (ع)، در این گونه موارد، دلالت بر وجوب یا حرمت دارد و مکلف باید آن را جلدی بگیرد (امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۰۲).

همچنین در مکاسب محرمه ذیل بحث از روایت مرتبط با حکیم بن حزام محقق خوئی تنها ادعای خود بر دلالت بر حرمت را بدون اقامه دلیل بیان می‌کنند و چنین می‌فرمایند: «فَأَنَّ كَلِمَةَ أَتَا حَذِيرٌ فَتَفِيدُ الْحَرَمَةَ.» لفظ «ایا» در تحذیر به کار می‌رود لذا حرمت را می‌رساند (خوئی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۹۳).

توضیح این نظریه مشتمل بر مطالبی است که مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

ایاک از نظر نحویین و لغویین نهی محسوب می‌شود، بدین بیان که:

کلمه «ایاک» در اینجا به‌طور کنایی به معنای «منع»، «تحذیر» و «دور نگه داشتن از چیزی» آمده است. معنای آن می‌تواند به این صورت باشد: «دور شو»، «خود را حفظ کن»، «از آن پرهیز کن» یا مشابه این‌ها که همگی به عنوان هشدار یا توصیه‌ای برای احتیاط بیان شده‌اند. در واقع، این کلمه به‌نوعی به‌جای فعل تحذیر عمل می‌کند و جایگزین آن می‌شود. سیبویه نیز در این زمینه اشاره کرده است که «ایاک» مشابه «الحذر الحذر» است و به‌طور مشابه می‌تواند به‌عنوان یک نوع فعل تحذیر در نظر گرفته شود.

ابن کیسان نیز گفته است که «ایاک» ممکن است به معنای تحذیر باشد. اگر کسی بگوید که «ایاک» به‌عنوان اسم فعل به معنای «دور شو» یا «احتیاط کن» است، مشابه به استفاده از «دونک» به معنای «بگیر»، یا «رویدک زیداً» به معنای «او را مهلت بده»، یا «علیک» به معنای «آن را پیگیری کن»، و یا «إلیک» به معنای «از آن دور شو»، این سخن نیز معتبر است.

بنابراین، «ایاک» به عنوان یک اسم فعل می تواند به طور ضمنی معنای «احتیاط کن» یا «دور شو» را منتقل کند و در جملات مختلف به عنوان هشدار یا توصیه ای برای پرهیز از چیزی استفاده می شود (سامری، بی تا، ص ۱۷۲-۱۷۳).

و اینکه هر چند که در نهی، معنای «طلب» به معنای مستقیم و صریح نیست. به عبارت دیگر، نهی به معنای «خواستن» یا «طلب» چیزی نیست تا گفته شود آنچه خواسته می شود ترک یا کنار گذاشتن چیزی است. در حقیقت، معنای اصلی نهی، «زجر» و «ردع» است، یعنی بازداشتن و جلوگیری از انجام کاری، اما از آنجا که عقلانی است که وقتی از انجام کاری نهی می شود، این نهی به طور ضمنی به معنای «طلب ترک» آن عمل است، بنابراین در نتیجه عقلایی، نهی از فعل مستلزم خواسته شدن ترک آن عمل است. به همین شکل، در امر (دعوت به انجام کاری)، عقلایی است که از فرد خواسته می شود عمل را انجام دهد، مانند اینکه در نهی از ترک عمل، از فرد خواسته می شود که ترک نکند.

بنابراین، «نهی» به طور اصلی به معنای «جلو گیری» و «ممانعت» از فعل است و اینکه از شخص خواسته می شود ترک کند، لوازم و نتیجه آن است (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵۰). بنابراین ایاک دلالت بر حرمت دارد.

نقد و ارزیابی دیدگاه

در خصوص این نکته که ایاک دلالت بر نهی دارد، به نظر می رسد باید گفت که این مطلب صحیح نمی باشد چرا که نحویین این قالب کلامی را در باب تحذیر مطرح نموده اند و افعالی مثل «باعد، حذر» را در تقدیر گرفته اند و این به معنی آن نیست که لزوماً صیغه نهی در تقدیر گرفته شود تا بعد گفته شود که صیغه نهی نیز دلالت بر حرمت دارد بلکه مراد نحوی ها تنها تقریب مطلب به ذهن است و از باب مثال است و نمی توان این ترکیب را دقیقاً به معنی نهی گرفت.

جواب: لفظ در تقدیر گرفته شده لزوماً یک لفظ خاص نیست، مورد قبول است لکن لفظ مقدر هر آنچه باشد با توضیحی که توسط نحوی ها و لغوی ها ارائه شد باید لفظی در وزان نهی باشد و به شدت شخص را از ارتکاب عمل دور سازد و غیر این مطلب چیزی گفته شود خلاف اتفاق ادبا است از این رو عبارت صبان ادب بزرگ آورده می شود که ایشان می فرمایند:

بنابراین تقدیر معنای محذوف نباید محدود به «باعد» یا «احذر» شود، بلکه باید چیزی در نظر گرفته شود که هدف (فهماندن تحذیر) را تأمین کند؛ زیرا تقدیر امری تعبدی نیست که الزاماً بر یک گزینه خاص متوقف باشد (صبان، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۸۹).

از این رو در توضیح این لفظ گاهی می شود از لفظ دال بر تحذیر استفاده کرد و گاهی از خود صیغه نهی اما هیچگاه نمی توان چیزی آورد که از نهی بیگانه باشد و اگر در فارسی به دنبال لفظی معادل آن جستجو شود بهترین لفظ «پرهیز» است.

۲-۲ دیدگاه دلالت واژه ایّاك بر کراهت

محقق خراسانی صاحب کفایه معتقدند اینکه سخن پیامبر (ص) در عبارت «إيّاك أن تحتكر» (از احتکار پرهیز)، دلالت بر حرمت داشته باشد، مورد تأمل می‌باشد، بلکه حتی قابل منع است. زیرا این نوع تعبیر در کلام پیامبر (ص) بسیار در مواردی که دلالت بر کراهت دارد، به کار رفته است (خراسانی، ۱۴۰۶، ص ۱۳۹).

نقد و ارزیابی دیدگاه

اولاً: این نظریه نهایت استدلال خود بر مطلب ارائه شده را کثرت استعمال لفظ در لسان شرع در مورد بغض خفیف و کراهت دانست در حالیکه این استدلال مادامی که با تحقیقات میدانی همراه نشود نمی‌تواند به نتیجه برسد زیرا در این صورت کسی که مخالف این نظریه است نیز ادعای کثرت استعمال بر مدعای خود می‌کند.

ثانیاً: همانطور که در تحقیق میدانی آمده بیان خواهد شد کثرت استعمال این لفظ در حرمت است و نه کراهت؛ چه بسا چیزی که مرحوم آخوند را به این نظریه رسانده است توجه به روایات اخلاقی است که از آنها حکم شرعی استفاده نشده است لکن این کلام صحیح نیست زیرا احادیث اخلاقی از محل نزاع خارج است و اصلاً فقها آنها را در مقام بیان حکم فقهی ندیده‌اند.

ثالثاً: مغالطه ادغام شؤون در دلالت لفظ «إيّاك»

بررسی دلالت «إيّاك» در روایات، نیازمند تفکیک میان شأن بیان آثار افعال و شأن بیان احکام شرعی الزامی است. برخی با استناد به مواردی که «إيّاك» در روایات برای بیان آثار طبیعی یا زیان‌های جسمی یک عمل به کار رفته، نتیجه می‌گیرند که این تعبیر هیچ‌گاه دلالت بر حرمت ندارد. این نتیجه‌گیری نادرست است، زیرا چنین روایاتی در مقام بیان شاریعت و حکم الزامی صادر نشده‌اند، بلکه هدف آنها هشدار نسبت به آثار زیان‌بار است. این خلط، نوعی مغالطه ادغام شؤون محسوب می‌شود.

در ادامه، روایت امام صادق (ع) را از با بررسی می‌کنیم تا نشان دهیم که «إيّاك» در این موارد به دلیل بیان آثار دنیوی استفاده شده است، نه برای بیان یک الزام شرعی. در روایت نقل شده از امام صادق (ع) در وسائل الشیعه نظیر روایت (از دراز کشیدن در حمام پرهیز، زیرا چربی کلیه‌ها را از بین می‌برد یا از به پشت خوابیدن در حمام پرهیز، زیرا باعث بیماری دیبله (ورم داخلی یا آپاندیس) می‌شود و یا از مسواک زدن در حمام پرهیز، زیرا باعث بیماری دندان می‌شود و) یا زیاد آب نوش، زیرا باعث تشدید بیماری‌ها می‌شود).

تحلیل این روایات نشان می‌دهند که «إيّاك» در برخی موارد صرفاً برای هشدار نسبت به آثار طبیعی و بهداشتی یک عمل و از شأن بیان آثار اعمال توسط معصوم به کار می‌رود و دلالتی بر حرمت شرعی ندارد. بنابراین، اگر کسی استدلال کند

که « چون در این روایات، «إِيَّاكَ» بر حرمت دلالت نمی‌کند، پس هیچ‌گاه دلالت بر حرمت ندارد»، دچار مغالطه ادغام شئون شده است. تفکیک دقیق میان این دو شأن، برای فهم صحیح دلالت‌های زبانی ضروری می‌باشد:

□. اگر «إِيَّاكَ» در مقام بیان آثار دنیوی و طبی باشد، بر حرمت شرعی دلالت ندارد زیرا اصلاً از جهت حکم فقهی حرمت در مقام بیان نبوده است و به تعبیر دقیق‌تر ارشادی است.

□. اما اگر در مقام بیان احکام الزامی باشد، می‌تواند دلالت بر حرمت کند.

بنابراین، عدم دلالت «إِيَّاكَ» بر حرمت در این موارد، به دلیل شأن صدور روایت است، نه اینکه ذاتاً این تعبیر هرگز دلالت بر حرمت نداشته باشد.

۲-۳ دیدگاه دلالت واژه ایّاک بر مطلق مبغوضیت

محقق اصفهانی معتقد است که ایّاک دلالت بر مطلق مبغوضیت دارد. بدین بیان که سخن پیامبر (ص) با عبارت «إِيَّاكَ» برای هشدار می‌باشد که در موارد مربوط به کراهت بسیار به کار رفته است، یعنی مواردی که شایسته است از آنها اجتناب شود و منع هم اعم از تحریمی (حرام) و تنزیهی (مکروه) است (محقق اصفهانی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۴۰).

برخی از نویسندگان معاصر هم معتقدند که ایّاک دلالت بر مطلق مبغوضیت دارد چرا که نسبت به واژه «ایّاک» در روایات دلالت‌های مختلفی قابل تصور می‌باشد (منافی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷).

الف: دلالت بر حرمت عمل

در برخی موارد، واژه «ایّاک» نشان‌دهنده حرمت یک عمل است، به‌ویژه هنگامی که مفهومی شش‌گانه بر آن مترتب باشد: مانند موارد زیر:

« إِيَّاكَ وَ الْمَطْلَقَاتِ ثَلَاثًا فِي مَجْلَسِ فَائِضٍ ذَوَاتِ أَزْوَاجٍ » (صدوق، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۶۳).

« إِيَّاكَ أَنْ تَتَخَتَّمَ بِالذَّهَبِ فَإِنَّهَا حَلِيَّتُكَ فِي الْجَنَّةِ » (حمیری، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۸).

« إِيَّاكَ وَ الْغَشَّ فَإِنَّ مِنْ غَشٍّ فِي مَالِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ غَشٌّ فِي أَهْلِهِ » (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۴۶۷).

در موارد ذکر شده حرمت ثابت شده است و وقتی «ایّاک» به این امور نسبت داده می‌شود می‌توان فهمید که حداقل یکی از کاربردهای «ایّاک» این است که دلالت بر حرمت دارد.

ب: دلالت بر کراهت عمل

در برخی روایات، «ایّاک» بیشتر به معنای توصیه اخلاقی می‌باشد و دلالت بر مکروه بودن عمل دارد: مانند:

« إِيَّاكَ وَ الرِّيَاسَةَ » (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۸۱).

« وإِيَّاكُمْ وَ الْبُخْلَ » (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۷۵).

« يَا بَنِي إِيَّاكَ وَ كَثْرَةُ الضَّحْكِ فَإِنَّ كَثْرَةَ الضَّحْكِ تَتْرَكَ الْعَبْدَ فَقِيراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ » (حرعاملی، بی تا، ج ۱۲، ص ۱۱۹).

«ایاک» در این کاربردها در مواردی استعمال شده است که ربطی به عمل ندارد که متصف به حرمت شود. بنابراین تنها ناظر به جهات اخلاقی می باشد و نهایت حکمی که از آن بدست خواهد آمد کراهت است.

ج: دلالت بر ارشاد به پیامدهای منفی عمل

گاهی این واژه بیشتر نسبت به یک مفسده ای است که به طور طبیعی بر یک عمل مترتب می شود، بدون آنکه حرمت شرعی بر آن عمل مترتب شود: مانند:

« إِيَّاكُمْ وَ أَكَلَ السَّمَكِ فَإِنَّ السَّمَكَ يَمْلَأُ الْجَسَدَ » (حمیری، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۷).

« إِيَّاكَ وَ الْقُعُودَ عَلَى قَدَمَيْكَ فَتَتَأَذَى بِذَلِكَ » (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۸۳).

د: دلالت بر حکم عقل

در برخی موارد، واژه «ایاک» به اموری اشاره دارد که عقل نیز مستقلاً به آنها حکم می کند:

نظیر درک مستقل عقل از مفسده عمل: « يَا بَنِي إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِراً إِلَّا اللَّهَ » (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۳۱).

یا لزوم احتیاط بر اساس حکم عقل: « إِيَّاكَ وَ خَصْلَتَيْنِ فِيهِمَا هَلَكٌ مِنَ هَلَكٍ: إِيَّاكَ أَنْ تَفْتِيَ النَّاسَ بِرَأْيِكَ يَا تَدِينُ بِمَا لَا تَعْلَمُ » (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۲).

و لزوم اطاعت از خداوند: « إِيَّاكُمْ وَ مَا نَهَاكُمْ اللَّهُ عَنْهُ أَنْ تَرْكَبُوهُ » (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲).

باتوجه به موارد مختلف استعمالات این لفظ بر حرمت و کراهت، قائل شدن به مطلق مبعوضیت که اعم از حرمت و کراهت باشد، نزدیکترین اندیشه به حق به نظر می آید. (منافی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷).

نقد و ارزیابی دیدگاه

این نظریه با استناد به کاربردهای مختلف یک لفظ در معانی گوناگون، تلاش می کند اشتراک معنوی بین حرمت و کراهت را اثبات کند. درحالی که قائلان به قول اول و دوم نیز استعمال لفظ در غیر معنای حرمت را انکار نمی کنند، اما ادعای آنها این است که این استعمالات به اندازه ای نیست که بتواند ظهور اصلی لفظ در حرمت یا کراهت را از بین ببرد.

از سوی دیگر، همان‌طور که در بررسی نظریه دوم بیان شد این که لفظی در جایی به معنای حرمت به کار نرفته، صرفاً به دلیل اخلاقی بودن یک حدیث، موجب نمی‌شود دلالت آن بر حرمت مخدوش شود؛ زیرا اساساً انتظار نمی‌رود از یک حدیث اخلاقی، حکم فقهی استخراج شود. در چنین احدیثی باید بررسی کرد که آیا لفظ توانسته شدت را منتقل کند یا خیر؛ به عبارت دیگر، آیا توانسته حرمت اخلاقی را بفهماند یا صرفاً به یک مسئله خفیف اخلاقی اشاره کرده است و اگر مسئله اخلاقی را با آثار خفیف بیان کرده بود می‌شود در نقض استدلال از آنها استفاده کرد.

همچنین مغالطه ادغام شئون که به عنوان اشکال به مورد قبل بیان شد نسبت به این مورد نیز به عنوان اشکال مطرح است.

۳. تحلیل و ارزیابی لفظ ایّاک در روایات

وقتی که برای فهمیدن دلالت یکی از الفاظ پر کاربرد به بررسی اقوال فقها پرداخته می‌شود مشاهده می‌شود که فقیهی برای دلالت یک لفظ بر حرمت بر کثرت استعمال لفظ در حرمت استناد می‌کند و در مقابل فقیه دیگر برای اثبات دلالت بر کراهت در همان لفظ به کثرت استعمال در کراهت استناد می‌کند که این گونه استدلال گرچه ممکن است صحیح باشد لکن مصادره به مطلوب می‌باشد از این رو در پژوهش حاضر در تحقیق میدانی آیات و روایات در حدی که اطمینان آور باشد بررسی خواهد شد تا اگر کثرت استعمالی ادعا شد این کثرت استعمال نمایانده شده باشد و شبیه صرف ادعا نباشد لکن توضیح مفصل هر یک از روایات نیز موجب طولانی شدن تحقیق می‌شود از این رو محل مورد نظر برای استدلال با قرار گرفتن خطی زیر آن مشخص می‌شود که نشان دهنده وجه استدلال است و در پایان استدلال توضیح بیشتری داده خواهد شد.

در مقام تحلیل لفظ ایّاک بنا بر این است که ابتدا لفظ در آیات قرآن مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد. منتهی به خاطر اینکه لفظ «ایّاک» در قرآن کریم در تحذیر بکار نرفته است لذا تحلیل و ارزیابی لفظ ایّاک را در روایات مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. « عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ يَبِيعُ الدَّقِيقَ فَقَالَ: إِيَّاكَ وَالْغِشَّ فَإِنَّ مِنْ غِشٍّ غِشٌّ فِي مَالِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ غِشٌّ فِي أَهْلِهِ؛ » مردی که آمد می‌فروخت بر امام صادق علیه‌السلام وارد شد. امام به او فرمود: از غش (مخلوط کردن چیزی با کالای اصلی) پرهیز، زیرا هر کس غش کند، در مالش دچار زیان و فریب خواهد شد، و اگر مالی نداشته باشد، در خانواده‌اش دچار آسیب می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۰). موقعیت فقهی مسأله: «الغش حرام بلا خلاف». غش در معامله بدون اختلاف بین علما حرام است» (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۳۰۸) از این رو فهمیده می‌شود که «ایّاک» در فهماندن بغض شدید به کار برده شده است.

۲. سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: « لَا تَبِيعُوا الْمَصَاحِفَ فَإِنَّ بَيْعَهَا حَرَامٌ » قُلْتُ فَمَا تَقُولُ فِي شِرَائِهَا قَالَ « إِشْرَ مِنْهُ الدَّقِيقُ وَالْحَدِيدَ وَالْغُلَافَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَشْتَرِيَ الْوَرَقَ وَ فِيهِ الْقُرْآنُ مَكْتُوبٌ فَيَكُونُ عَلَيْكَ حَرَامًا وَ عَلَى مَنْ بَاعَهُ حَرَامًا؛ » شنیدم که امام صادق علیه‌السلام

فرمود: قرآن را نفروشید، زیرا فروش آن حرام است.» عرض کردم: پس نظر تان درباره خرید آن چیست؟ فرمود: «جلد، میخ‌ها و پوشش آن را بخر، اما از خرید برگه‌هایی که قرآن بر آن نوشته شده پرهیز، چرا که در این صورت هم بر تو و هم بر فروشنده، حرام خواهد بود» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۳۱).

بیع مصحف دارای حرمت قطعی است و در همین روایت نیز از آن با صیغه نهی منع شده است و بعد هم از آن با لفظ «حرام» یاد شده است از این سیاق دلالت «ایاک» بر حرمت نیز فهمیده می‌شود.

۳. «يَا أَبَا دَرٍّ إِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ، فَإِنَّ الْغَيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزِّنَا»؛ «ای ابا ذر! از غیبت پرهیز، زیرا غیبت از زنا بدتر است» (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۱۵).

در این روایت از غیبتی که به تعبیر روایت از زنا بدتر است توسط لفظ «ایاک» نهی شده است و از اینگونه استعمال دلالت این لفظ بر حرمت را میتوان فهمید.

۴. «قَالَ يَا نُعْمَانُ إِيَّاكَ وَالْفَيْسَ»؛ «امام صادق فرمود: ای نعمان! از قیاس کردن پرهیز» (صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۹۱).

قیاس از بدترین محرمات است و این کار ابتدا توسط ابلیس صورت پذیرفت از چنین حرامی با کلیشه «ایاک» نهی شده است و این استعمال دلالت داشتن این لفظ بر حرمت را می‌رساند.

۵. أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: «إِيَّاكُمْ وَالْحُلْفَ فَإِنَّهُ يَمْحَقُ الْبَرَكَةَ»؛ «امام صادق علیه السلام می‌فرمود: از زیاد قسم خوردن پرهیزید، زیرا برکت را از بین می‌برد» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۱۲).

(حدیث اخلاقی است و از شأن بیان اثر توسط معصوم بیان شده است و تنها بیان می‌دارد که اگر قسم خوردی برکت از مالت می‌رود ولی اینکه عذاب هم به شخص می‌رسد یا خیر؟ این روایت بیانی نسبت به آن ندارد از این رو نمی‌تواند مانع از دلالت بر حرمت باشد).

۶. «إِيَّاكَ وَالزِّنَا فَإِنَّهُ يَمْحَقُ الْبَرَكَةَ وَ يُهْلِكُ الدِّينَ»؛ «از زنا پرهیز، زیرا برکت را از بین می‌برد و دین را نابود می‌سازد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۴۲).

از محرمات مسلم الهی زنا است که شکی در حرمت آن نیست و می‌توان از استعمال لفظ «ایاک» در فهماندن حرمت آن دلالت این لفظ بر حرمت را به وضوح دریافت.

۷. «أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَفِيَانُ إِيَّاكَ وَالرِّثَاسَةَ فَمَا طَلَبَهَا أَحَدٌ إِلَّا هَلَكَ فَقُلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَدْ هَلَكْنَا إِذْ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَّا إِلَّا وَهُوَ يُحِبُّ أَنْ يُذَكَّرَ وَ يُقَصَّدَ وَ يُؤَخَذَ عَنْهُ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِلَيْهِ إِنَّمَا ذَلِكَ أَنْ تُنْصِبَ رَجُلًا دُونَ الْحَبَّةِ فَتُصَدِّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالَ وَ تَدْعُو النَّاسَ إِلَى قَوْلِهِ»؛ «امام صادق علیه السلام فرمود: ای سفیان! از رهبری و مقام‌طلبی پرهیز، زیرا هیچ کس این مقام را طلب نکرد جز اینکه

هلاک شد.» عرض کردم: « جعلت فداک، ما هلاک شده‌ایم، چرا که هیچ‌یک از ما نیست مگر اینکه دوست دارد نامش ذکر شود، مورد توجه قرار گیرد و از او نقل قول شود.» فرمود: «اینطور که می‌گویی نیست. آنچه باید از آن پرهیز کرد این است که فردی را بدون دلیل و حجت معتبر منصوب کنی و هر چه او گفت را تصدیق کنی و مردم را به گفته‌های او فراخوانی.» (صدوق، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۷۹).

اینکه انسان کسی غیر حجت الهی را مورد تبعیت خود قرار دهد یقیناً جزء محرمات الهی است که در روایت از آن با لفظ «ایاک» نهی صورت پذیرفته است که استفاده دلالت این لفظ بر حرمت را به نظر می‌رساند.

۸. «فَمَرَّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا حَكِيمُ بْنُ حَزَامٍ إِيَّاكَ أَنْ تُحْتَكِرَ»؛ «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر او گذشت و فرمود: ای حکیم بن حزام! از احتکار پرهیز» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۵).

موقعیت فقهی: الاحتکار منهی عنه اجماعاً احتکار (نگهداری کالا برای گران‌فروشی) به اتفاق آراء حرام است (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۳۵۲). صاحب منافع الکرامه ادعای اجماع بر حرمت چیزی می‌کند که توسط «ایاک» از آن بر حذر داشته شده است.

۹. «عن أبي جعفر: ... قَالَ كُلَّمَا عَادَ الْمُؤْمِنُ بِالِاسْتِغْفَالِ وَالتَّوْبَةِ عَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالمَغْفِرَةِ وَ «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» «يَقْبَلُ التَّوْبَةَ» ... «وَيَعْفُوا عَنِ السَّيِّئَاتِ» فَإِيَّاكَ أَنْ تُقْنِطَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»؛ «امام باقر علیه‌السلام فرمود: هرگاه مؤمن به استغفار و توبه بازگردد، خداوند نیز به او آمرزش می‌دهد. و چون خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، به توبه پذیرا است و از بدی‌ها می‌گذرد. پس از اینکه خداوند این‌گونه رحمت می‌کند، از این که مؤمنان را از رحمت خدا ناامید کنی، پرهیز» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۳۴).

(حکم اخلاقی است لذا حرمت فقهی نداشتن آن موجب خراب کردن دلالت «ایاک» بر حرمت نیست گرچه با دقت در روایت می‌توان فهمید که درست است حرمت فقهی ندارد لکن شدت و حرمت اخلاقی آن قابل قبول است لذا خود دلیلی بر دلالت «ایاک» بر حرمت است.)

۱۰. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ لِعَبَادِ بْنِ كَثِيرٍ الْبَصْرِيِّ فِي الْمَسْجِدِ وَبَلَكَ يَا عَبْدُ إِيَّاكَ وَ الرِّيَاءُ فَإِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِعَبْرِ اللَّهِ وَكَلَّمَ اللَّهُ إِلَى مَنْ عَمِلَ لَهُ»؛ «امام صادق علیه‌السلام به عباد بن زیاد بصری فرمود: وای بر تو، ای عباد! از ریاکاری پرهیز کن، زیرا هر کس برای غیر خدا عمل کند، خدا او را به آن کسی که برای او عمل کرده واگذار می‌کند» (همان، ج ۲، ص ۲۹۳).

ریاء جزء محرمات فقهی نیست لکن یقیناً عمل با بغض شدید اخلاقی است از این رو می‌توان دلالت داشتن «ایاک» بر بغض شدید را نتیجه گرفت که وقتی این کلمه در موضوع فقهی به کار رود می‌تواند حرمت را بفهماند.

۱۱. « قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكَ وَ خَصْلَتَيْنِ فَبَيْنَهُمَا هَلَكٌ مِنْ هَلَكٍ إِيَّاكَ أَنْ تُفْنِيَ النَّاسَ بِرَأْيِكَ أَوْ تَدِينُ بِمَا لَا تَعْلَمُ »؛ « امام صادق عليه السلام به من فرمود: از دو ویژگی پرهیز کن، زیرا در این دو ویژگی هلاک کسانی است که هلاک شده اند: پرهیز کن از اینکه به مردم با رأی خود فتوا دهی یا در چیزی که نمی دانی، دین داری کنی » (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۲).

افتاء به رأی جزء محرماتی است که بر آن هلاک وعده داده شده است و آثار سوء دیگری در سایر روایات بر آن مترتب شده است از این رو وقتی لفظ «ایاک» در سیاق بیان حرمت آن واقع می شود می فهمیم که این لفظ دال بر حرمت است.

۱۲. « قَالَ أَبُو الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لِرَجُلٍ : « إِيَّاكَ أَنْ تُفَسِّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِكَ حَتَّى تَفْقَهُهُ عَنِ الْعُلَمَاءِ »؛ « امیرالمؤمنین علیه السلام به مردی فرمود: پرهیز کن از اینکه قرآن را با رأی خود تفسیر کنی، تا زمانی که آن را از علمای دین فهمیده باشی » (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴).

تفسیر به رأی از از محرمات مسلم است که بر آن پر شدن جایگاه شخص از آتش وعده داده شده است و وقتی از این عنوان با «ایاک» نهی می شود می توان فهمید که این لفظ دال بر حرمت است.

۱۳. « أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكُمْ وَ الْكَذِبَ الْمُفْتَرَعَ قِيلَ : وَ مَا الْكَذِبُ الْمُفْتَرَعُ قَالَ أَنْ يُحَدِّثَكَ الرَّجُلُ بِالْحَدِيثِ فَتَنَزَّكَهُ وَ تَرْوِيهِ عَنِ الَّذِي حَدَّثَكَ عَنْهُ »؛ « امام صادق علیه السلام فرمود: پرهیز کنید از دروغ های افترا زده شده. گفته شد: دروغ افترا زده شده چیست؟ فرمود: اینکه مردی به شما حدیثی بگوید و شما آن را ترک کنید و از کسی که آن را از او شنیده اید روایت کنید » (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۲).

حرمت اقسام دروغ غیر از دروغ مصلحتی ثابت شده است و در روایت امام صادق علیه السلام نوع بدی از آن مطرح شده است که حرمت در آن ثبوت واضح تری دارد از جهتی برای اثبات حرمت از «ایاکم» استفاده شده است که قوت دلالت این لفظ بر حرمت را می فهماند.

۱۴. « إِيَّاكُمْ وَ الْمُثْلَةَ وَ لَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ »؛ « امام صادق علیه السلام فرمود: پرهیز کنید از مثله کردن، حتی اگر با سگ درنده باشد » (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲، ص ۲۵۶).

مثله کردن از محرمات ثابت در دین اسلام است که در این روایت از آن توسط «ایاک» نهی شده است و این لفظ متکفل فهماندن بغض شدید در آن شده است.

۱۵. « أَنْ عَلَيَّا صَلَواتُ اللَّهِ وَ سَلامُهُ عَلَيْهِ قَالَ : « إِيَّاكُمْ وَ اللَّفْطَةَ فَإِنَّهَا ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ وَ هِيَ خَرِيقٌ مِنْ خَرِيقِ جَهَنَّمَ »؛ « امام علی علیه السلام فرمود: پرهیز کنید از لقطه (مال گم شده)، زیرا آن گمشده مؤمن است و یکی از شعله های جهنم است » (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۹۲).

در مورد استفاده از لفظه حضرت آن را جزء آتش جهنم میدانند و از این تعبیر معلوم می‌شود که دارای بغض شدید است و برای چنین جمله ای از «ایاک» استفاده شده است که نشانگر دلالت تحریمی این لفظ است.

۱۶. « قَالَ (رسول الله) عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَ الْمُرْتَشِيَّ وَ الشَّاهِدَ بَيْنَهُمَا وَ قَالَ إِيَّاكُمْ وَ الرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مُحَضُّ الْكُفْرِ »؛ « پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: خداوند لعنت کرده است رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده را و همچنین شاهد بین آن دو را. پرهیز کنید از رشوه، زیرا آن خالص‌ترین نوع کفر است » (شعیری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۵۶).

حرمت رشوه از واضح‌ترین محرمات در دین اسلام است و از جهتی در خود روایت نیز آن را به عنوان محض الکفر بیان نموده است و این چنین به ما نشان می‌دهد که «ایاک» برای فهماندن تحریم استفاده می‌شود.

۱۷. « قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِيَّاكَ أَنْ تَتَخَتَّمَ بِالذَّهَبِ فَإِنَّهُ جَلِيئُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ إِيَّاكَ وَ أَنْ تَلْبَسَ الْقَسِيَّ »؛ « پیامبر خدا به امیر المومنین فرمود: از انگشتر طلا دوری کن که زیور تو در بهشت است، و از پوشیدن لباس قسی پرهیز کن. (حرعاملی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۰۶).

« التَّخْتَمُ بِالذَّهَبِ حَرَامٌ عَلَى الرِّجَالِ »؛ « پوشیدن انگشتر طلا بر مردان حرام است » (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۵) همانطور که در عبارت شیخ طوسی پیدا است پوشیدن انگشتر طلا که حرمت آن ثابت است توسط لفظ «ایاک» مورد نهی واقع شده است.

۱۸. « فِي عَهْدِهِ إِلَى مَالِكِ الْأَشْجَرِ قَالَ: وَ إِيَّاكَ وَ الدِّمَاءَ وَ سَفْكَهَا بِغَيْرِ حَقِّهَا فَإِنَّهُ يَنْسُ شَيْءٌ أَدْعَى لِنِقْمَةٍ وَ لَا أَكْثَرَ لِنِقْمَةٍ وَ لَا أُخْرَى بِزَوَالِ نِعْمَةٍ وَ انْقِطَاعِ مُدَّةٍ مِنْ سَفْكِ الدِّمَاءِ بِغَيْرِ حَقِّهَا »؛ « در عهدنامه‌ای که امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر نوشتند، آمده است: «و پرهیز از خون‌ها و ریختن آن به ناحق، زیرا هیچ چیزی موجب انتقام‌جویی بیشتر و هیچ چیزی باعث عذاب بزرگتر و هیچ چیزی بیشتر از ریختن خون‌ها به ناحق سبب زوال نعمت‌ها و پایان مدت‌ها نمی‌شود» (حرعاملی، بی‌تا، ج ۲۹، ص ۵۵).

حرمت ریختن خون مؤمن از مواردی است که حرمت آن واضح است و این مورد مدخول ایاک قرار گرفته است از این رو از این روایت دلالت «ایاک» بر تحریم فهمیده می‌شود.

۱۹. « إِيَّاكَ وَ الْخِيَانَةَ فَإِنَّهَا شَرُّ مَعْصِيَةٍ وَ إِنَّ الْخَائِنَ لَمُعَذَّبٌ بِالنَّارِ عَلَى خِيَانَتِهِ »؛ « از خیانت پرهیز، زیرا آن بدترین گناه است و یقیناً خیانتکار در آتش عذاب می‌شود به دلیل خیانتش » (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۶۸).

در این روایت در مورد چیزی که «ایاک» بر آن داخل شده است وعده عذاب داده شده است که معلوم می‌شود دارای بغض شدید است.

۴. نظریه برگزیده

حرمت تکلیفی

به نظر نگارنده، لفظ «ایاک» در روایاتی که بدون قرینه تعیین کننده معنای کراهت یا حرمت آمده باشد، بر حرمت تکلیفی دلالت دارد. این نتیجه بر اساس سه محور استدلالی به دست آمده است:

نقد نظریات مخالف: استدلال قائلان به نظریه دوم و سوم، یعنی قول به دلالت «ایاک» بر کراهت یا اشتراک معنوی میان حرمت و کراهت، مخدوش است.

تحلیل نحوی با ضمیمه قاعده اصولی: نحویان «ایاک» را دال بر نهی می دانند، و با ضمیمه کردن قول اصولیون مبنی بر دلالت نهی بر حرمت، می توان نتیجه گرفت که این لفظ در بسیاری از موارد بر حرمت دلالت دارد.

بررسی موارد استعمال در روایات: تحلیل میدانی نشان می دهد که «ایاک» در روایات عمدتاً در معنای حرمت به کار رفته است، که این کثرت استعمال از نظر نگارنده اطمینان به دلالت لفظ «ایاک» بر حرمت را نتیجه می دهد.

حرمت وضعی

همان طور که در بحث نسبت بین حکم تکلیفی و وضعی و بررسی وجود ملازمه یا عدم آن بیان شده است (صدر، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۰۲)، برای رسیدن به حکم وضعی لفظ «ایاک»، پس از آنکه دلالت آن بر حرمت تکلیفی روشن گردید، لازم است بررسی شود که متعلق نهی از عبادات است یا از معاملات.

اگر متعلق نهی از عبادات باشد، مطابق آنچه گذشت، به سه بیان می توان اثبات کرد که آن عبادت باطل خواهد بود. اما اگر متعلق نهی از معاملات باشد، لازم است بررسی شود که نهی وارد شده به سبب معامله تعلق گرفته است یا به مسبب آن.

۱. اگر نهی به سبب معامله تعلق گرفته باشد، یعنی نهی به مقدمات یا شرایط آن ناظر باشد، در این صورت، ملازمه ای با حرمت وضعی و بطلان معامله ندارد.

۲. اما اگر نهی به مسبب و نتیجه ای معامله تعلق گرفته باشد، یعنی خود اثر شرعی و نتیجه ای معامله مورد نهی قرار گرفته باشد، در این صورت، مشهور اصولیون قائل به بطلان معامله اند، هر چند برخی نیز قائل به صحت آن شده اند.

باین حال، همان طور که در بحث های گذشته توضیح داده شد، نظر صحیح، قول به فساد است؛ زیرا وقتی شارع نتیجه ای یک معامله را مورد نهی قرار داده باشد، این بدان معناست که اثر شرعی آن معامله را به رسمیت نمی شناسد و در نتیجه، معامله فاقد اعتبار شرعی و باطل خواهد بود.

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)

نتیجه گیری

بررسی لغوی، نحوی و روایی واژه «إِيَّاكَ» نشان می دهد که:

۱. این تعبیر در اصل بر هشدار و تحذیر دلالت دارد و با توجه به کاربرد غالب آن در متون روایی در اموری که به عنوان «حرام» شناخته می شوند، می توان آن را از الفاظ دارای ظهور در حرمت دانست.

۲. نقد دیدگاه‌های قائل به دلالت بر کراهت یا مطلق مبغوضیت نشان می‌دهد که استدلال‌های آنان، به ویژه با توجه به مغالطه ادغام شؤون (خلط بین شأن بیان حکم و شأن بیان آثار) و نیز خارج بودن احادیث صرفاً اخلاقی از محل نزاع فقهی، قابل خدشه است.

۳. لفظ «ایاک» در روایاتی که بدون قرینه تعیین‌کننده بر معنای کراهت یا حرمت آمده باشد، بر حرمت تکلیفی دلالت دارد. چرا که اولاً: نحویان «ایاک» را دال بر نهی می‌دانند، و با ضمیمه کردن قول اصولیون مبنی بر دلالت نهی بر حرمت، می‌توان نتیجه گرفت که این لفظ در بسیاری از موارد بر حرمت دلالت دارد. ثانیاً: تحلیل میدانی بیانگر آن است که «ایاک» در روایات عمدتاً در معنای حرمت به کار رفته است، که این کثرت استعمال از نظر نگارنده اطمینان به دلالت لفظ «ایاک» بر حرمت را نتیجه می‌دهد. بنابراین عبادت منهی عنه باطل خواهد بود.

۴. اگر متعلق نهی، معاملات باشد. در این صورت:

الف: اگر نهی به سبب معامله تعلق گرفته باشد، یعنی نهی به مقدمات یا شرایط آن ناظر باشد، در این فرض، ملازمه‌ای با حرمت وضعی و بطلان معامله ندارد.

ب: اگر نهی به سبب و نتیجه‌ی معامله تعلق گرفته باشد، یعنی خود اثر شرعی و نتیجه‌ی معامله مورد نهی قرار گرفته باشد، در این صورت، معامله باطل خواهد بود. چرا که وقتی شارع نتیجه‌ی یک معامله را مورد نهی قرار داده باشد، این بدان معناست که اثر شرعی آن معامله را به رسمیت نمی‌شناسد و در نتیجه، معامله فاقد اعتبار شرعی و باطل خواهد بود.

فهرست منابع

۱. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). مقاییس اللغة. قم: مرکز النشر.
۲. امام خمینی، روح‌الله الموسوی. (۱۴۰۹). کتاب البیع. قم: موسسه نشر اسلامی.

۳. بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۱۵). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد بعثت.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتب الاسلامی.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۳). الفوائد الطوسیة. قم: مکتبه المحلاتی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: احیاء التراث العربی.
۷. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۳۷۱). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۸. حوئی، ابوالقاسم. (۱۴۱۷). مصباح الفقاهة. قم: نشر انصاریان.
۹. خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۶). حاشیه المکاسب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. سامری، فاضل صالح. (بی تا). حذف الفعل فی الاغراء والتحذیر. بی جا: بی نا.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۶۲). خصال. قم: جامعه مدرسین.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۸۹). معانی الاخبار. تهران: نشر ارمغان طوبی.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (بی تا). علل الشرائع. نجف: منشورات المکتبه الحیدریه.
۱۵. صبان، محمد علی. (۱۳۶۳). حاشیه الصبان الی شرح الاسمونی. بیروت: المکتبه العصریه.
۱۶. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۱۲). دروس فی علم الأصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۴). تهذیب الاحکام. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). امالی الطوسی. قم: بنیاد بعثت واحد تحقیقات اسلامی.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). المبسوط فی فقه الإمامیه. نجف: منشورات المکتبه الحیدریه.
۲۱. طریحی، فخرالدین. (۱۹۸۵). مجمع البحرین. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۲۲. عاملی، سید جواد. (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
۲۳. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۴. فیض کاشانی، محمد محسن. (بی تا). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (علی ع).
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. قم: دارالکتب الاسلامیه.

۲۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة. بيروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۷. محقق اصفهانی، محمدحسین. (۱۴۲۷). حاشیة المكاسب. قم: ذوی القربی.

۲۸. مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۰). اصول الفقه. قم: اسماعیلیان.

۲۹. منافی، سیدحسین. (۱۳۹۰). «تبيين دلالت الفاظ پر کاربرد بر حرمت». نشریه فقه، پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی. (۶۹)، ۱۹۵-۲۲۰.

۳۰. لوری، حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.

۳۱. شعیری، محمد بن محمد. (۱۳۹۲). جامع الأخبار. نجف: المطبعة الحيدرية.

پیش از انتشار (ناویراسته)